

فصل‌نامه بین‌المللی علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال هفتم، شماره بیستم، زمستان ۱۴۰۳ (صص ۹۰-۱۱۰)

مقاله پژوهشی

Doi: 10.22034/jmzf.2025.560881.1262

## تحلیل سبک زنانه در مجموعه داستان «خاک غریب»

### اثر جومپا لاهیری

لطیفه سلامت باویل<sup>۱</sup>

#### چکیده

در سبک‌شناسی زنانه آنچه اهمیت دارد یکی مسئله زبان و جنسیت است و دیگری زنانه‌نویسی. جنسیت در مفهوم تلفیقی آن یکی از مؤلفه‌های هویت فردی و اجتماعی است و رابطه زبان و جنسیت زیرمجموعه‌ای از رابطه زبان و هویت است. نقشی که جامعه برای مردان و زنان تعیین می‌کند، الگوهای رفتاری متفاوتی را برای آنان رقم می‌زند لذا تفاوت در کاربردهای زبانی دو جنس و تمایزات جنسیتی موجود در واژگان چشمگیر است. نظریه پردازان معتقدند که یک سبک نگارش ویژه زنان وجود دارد و نوشتار زنانه با نوشتار مردانه متفاوت است. بررسی ابعاد جنسیتی زبان یکی از موارد پژوهشی مطالعات امروز است. رابطه زبان و جنسیت از آن‌رو مورد توجه است که طبق پژوهش‌های دانش زبان‌شناسی اجتماعی، زنان به گونه‌ای متفاوت از مردان، زبان را به کار می‌برند. اثر جنسیت در زبان را، هم در سطح واژگان زبان و هم در سطح ساختار زبان می‌توان مشاهده نمود. هدف پژوهش حاضر بررسی چگونگی به کارگیری سبک زنانه در مجموعه داستان «خاک غریب» از جومپا لاهیری نویسنده آمریکایی هندی‌تبار است که درون‌مایه غالب آثارش «غربت» است. او تجربه ذهنی و درونی شده خود را با تأکید بر ریشه‌های بنگالی شخصیت‌ها، در داستان‌هایش منعکس کرده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی سبک زنانه از دو بُعد زبان و جنسیت و زنانه‌نویسی در «خاک غریب» می‌پردازد و در پی پاسخ به این سؤال است که نشانه‌های سبک زنانه، در حوزه نحوی و واژگانی چگونه در این اثر نمود یافته است؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که جملات توصیفی، استفاده از رنگ‌واژه‌ها، کاربرد فراوان واژه‌های متعلق به زنان، تأکید بر احساسات و عواطف زنانه و استفاده از جملات کوتاه پر کاربردترین مؤلفه‌های زنانه‌نویسی در «خاک غریب» است.

واژه‌های کلیدی: زنانه‌نویسی، زبان و جنسیت، جومپا لاهیری، خاک غریب.

<sup>۱</sup> - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## ۱. مقدمه

نقد ادبی در قرن بیستم با سبک‌شناسی به نقطه تلاقی واحدی رسیده است. برخی از روش‌های سبک‌شناختی، مبانی نظری خود را از نظریه ادبی گرفته‌اند که از این میان می‌توان به رویکرد سبک‌شناسی زنانه که چارچوب نظری‌اش را از نظریه ادبی فمینیستی اقتباس می‌کند، اشاره کرد. «مدرنیسم به لحاظ ماهیت، همسنگ و همسو با نوشتار زنانه‌ای است که الگوی پیشنهادی کسانی بوده که در تلاش بودند با قاعده-گریزی و گسیختگی در زبان، ساختارهای شکل گرفته مقوم مرد سالاری را بر هم زنند» (اشراقی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۵). در سبک‌شناسی زنانه، آنچه اهمیت دارد یکی مسئله زبان و جنسیت است و دیگری زنانه‌نویسی. جنسیت در مفهوم تلفیقی آن یکی از مؤلفه‌های هویت فردی و اجتماعی است و رابطه زبان و جنسیت زیرمجموعه‌ای از رابطه زبان و هویت است. نقشی که جامعه برای مردان و زنان تعیین می‌کند الگوهای رفتاری متفاوتی را برای آنان رقم می‌زند لذا تفاوت در کاربردهای زبانی دو جنس و تمایزات جنسیتی موجود در واژگان چشمگیر است. «زبان، صرفاً کلمه نیست، بلکه درون ما را برای جهان آشکار می‌کند. به تعبیر چامسکی، زبان پنجره‌ای رو به سوی ذهن است» (لیکاف، ۱۳۹۹: ۱۹۵). مطالعه رابطه زبان و جنسیت، ریشه در فرهنگ و سنت هر جامعه دارد و در سال‌های اخیر مورد توجه زبان‌شناسان اجتماعی قرار گرفته است. در طول تاریخ زنان و مردان در حیطه محدودیت‌های زبانی و ذهنی خود، آثاری را خلق کرده‌اند که تحلیل زبانی آن آثار جهت آگاهی بر اندیشه‌هایی که ورای زبان وجود دارد و درک ساختار روابط انسانی؛ ضروری به نظر می‌رسد. زبان بیانگر هویت انسان و عاملی فرهنگی است که می‌تواند شرایط و محدودیت‌هایی را برای فرهنگ فراهم کند. از سوی دیگر فرهنگ نیز به نوبه خود به نوعی بر جنسیت‌زدگی زبان تأثیر دارد. پس تفاوت‌های جنسیتی در زبان یک امر فرهنگی است. عناصر زبان در ذات خود به جنسیت ارتباطی ندارند یا تمایزهای جنسیتی را نشان نمی‌دهند اما می‌توان

اصطلاح «گویش جنسیتی» (Gendertelect) را برای بیان تفاوت‌های زبانی دو جنس به کار برد. لذا «گویش جنسیتی، به گونه‌ای از زبان گفته می‌شود که تداعی‌کننده گوینده مذکر یا مؤنث است» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۹۶). کاربران زبان قائل به جنسیت بوده و تفاوت‌ها را مورد توجه ویژه قرار می‌دهند. هریک از دو جنس مذکر و مؤنث، ساختارهای زبانی متفاوتی را به کار می‌برند و تفاوت‌های عناصر زبانی آنان نتیجه ارزش‌های فرهنگی و باورهاست.

«زبان به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، رابطه‌ای تنگاتنگ با طرز تلقی‌های اجتماعی دارد. مردان و زنان از آن رو از نظر اجتماعی تفاوت دارند که جامعه نقش‌های متفاوتی برای آنان تعیین می‌کند و الگوهای رفتاری متفاوتی را از آنان انتظار دارد» (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۱۱۶). می‌توان گفت زبان، واقعیت‌های اجتماعی را ارزیابی می‌کند اما «زبان فقط بازتاب واقعیت اجتماعی نبوده، بلکه چنین واقعیتی را ارزیابی و اصلاح می‌نماید. جنسیت بخشی از این واقعیت است و هویت جنسیتی در این گفتمان شناخته می‌شود» (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۳). «اخیراً نظریه‌پردازان به این نتیجه رسیده‌اند که یک سبک نگارش ویژه زنان وجود دارد. به اعتقاد آنان، نوشتار زنانه، اساساً با نوشتار مردان تفاوت دارد و در فرایند نگارش معنا می‌یابد» (برسler، ۱۳۹۳: ۲۰۵).

برخورد زنان با زبان به مثابه رفتار اجتماعی، با برخورد مردان با زبان بسیار تفاوت دارد. «زنانه‌نویسی، یعنی نوشتن از مسائل، مشکلات، حالات و روحیات خاص زنان به منظور شناساندن شعور و حساسیت‌های جنس زن. مسائل خاص زنان عبارت است از وضعیت‌ها و تجربه‌هایی که از لحاظ روحی و فیزیولوژیک تنها در زنان است و مردان فاقد آن مسائل‌اند و به لحاظ فقدان تجربه زیستی در نگارش آن به پای زنان نمی‌رسند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۲). می‌توان زبان جنسیتی را چنین تعریف کرد: «زبان جنسیتی اصطلاحی است که نظریه‌پردازان فمینیستی از آن در حوزه

زبان‌شناسی استفاده می‌کنند تا هویت متمایز زبانی زنان را توصیف کنند، آنها می‌گویند هردو جنس، نظام‌ها یا کدهای ساختاری خود را دارند که گاه یک زبان نامیده می‌شود» (فیاض و رهبری، ۱۳۸۵: ۳۶).

داستان‌های کوتاه جومپا لاهیری با اتفاق غیرمنتظره‌ای همراه نیست. زنان در داستان‌های او با خصوصیات و عواطف زنانه خود حضور دارند. در طی داستان‌ها تعلیق چندانی وجود ندارد. داستان‌های او را می‌توان جزو داستان‌های مدرنی دانست که لحظه آشکار شدن رازها مربوط به کشمکش‌های بیرونی نیست، بلکه کاملاً به درون شخصیت‌ها برمی‌گردد و اندوه زنان را اغلب مردان بر همسران خود تحمیل می‌کنند. ویرجینیا وولف در سال ۱۹۱۹ در کتاب «اتاقی از آن خود» اعلام کرد که زن بودن را مردان تعریف می‌کنند و هم آنان هستند که ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ادبی را کنترل می‌کنند. (وولف، ۱۳۹۸) لذا هر جنبه‌ای از زبان از واژگان گرفته تا نوع تلفظ و حتی الگوهای نحوی می‌توانند نشانگر جنسیت گوینده باشند. «در آغاز قرن بیستم مسائل متعددی که از قرون وسطی بسط یافته بودند، در ذهنیت فمینیستی غربی جای گرفته بود. مثلاً این فکر که تفاوت‌های بین مردان و زنان ناشی از طبیعت آنان نیست بلکه نتیجه آموزش متفاوت دو جنس است و دسترسی دختران به آموزش باید به آنها این آمادگی را بدهد که بتوانند تمامی نقش‌هایی را که جامعه ایفای آن را از سوی آنان منع کرده است به عهده بگیرند» (میشل، ۱۳۸۲: ۹۵).

## ۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

«مسئله زن به مثابه موجودی انسانی که همه خصوصیات انسان بودن در وجود او جمع است؛ در طول تاریخ بشری همواره از مهم‌ترین مسائل بوده است.» (خادمی زاده، ۱۴۰۰: ۸۰) مضامینی که صرفاً به ادبیات زنانه تعلق دارد تجربیاتی است که تنها زنان از عهده نگارش آن برمی‌آیند. لذا شکل، صدا و محتوای آثاری که خلق می‌کنند

با آنچه مردان می‌نویسند تفاوت آشکاری دارد. لایه‌های سبک زنانه را می‌توان به پنج لایه تقسیم کرد: لایه آوایی، لایه واژگانی، لایه نحوی، لایه بلاغی و لایه کاربردی. علاوه بر آن ویژگی‌های فرم داستانی زنان را می‌توان در ساده‌نویسی، جزئی‌نگری، صورت‌گرایی، فضاهای محدود داستان و رویانگاری دانست. (ر.ک. فتوحی، ۱۳۹۱). در لایه آوایی، ارزش و کاربرد آواها و زیبایی‌شناسی موسیقایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. تفاوت‌های آوایی در زبان گفتار بیشتر از زبان نوشتار بازتاب می‌یابد. در لایه واژگانی، شاخص‌های ایدئولوژیک و عقیدتی واژه‌ها، بسامد انواع واژه‌ها در متن، رمزگان اجتماعی - فرهنگی مسلط بر متن به عنوان مؤلفه‌های سبکی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در لایه نحوی، ارزیابی سبک و ساختمان جمله‌ها و بررسی پیوند ساختارهای نحوی با محتوای اثر مدنظر است. در لایه بلاغی، استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری مورد سنجش قرار می‌گیرد و در لایه کاربردی ساخت‌های زبان بر اساس موقعیت و بافتی که به کار می‌روند بررسی می‌شوند. از آنجا که مجموعه داستان «خاک غریب» اثری است که از زبان دیگری ترجمه شده، لذا پرداختن به لایه آوایی برای درک زیبایی‌شناسی و موسیقایی متن چندان درست به نظر نمی‌رسد. پرداختن به لایه بلاغی نیز مجال گسترده‌تری می‌طلبد و لایه کاربردی چون با ساخت زبان در ارتباط است به دلیل ترجمه بودن اثر کنار گذاشته می‌شود. لذا در پژوهش پیش‌رو به تحلیل لایه‌های واژگانی و نحوی پرداخته می‌شود. جومپا لاهیری نویسنده هندی تبار آمریکایی از زنان موفق عرصه داستان‌نویسی است که در خانواده‌ای مهاجر رشد یافته و تجربیات خود را در داستان‌هایش منعکس کرده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی سبک زنانه از دو بُعد «زبان و جنسیت» و «زنانه‌نویسی» در یکی از آثار او به نام «خاک غریب» می‌پردازد و در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که نشانه‌های سبک زنانه در حوزه زبانی چگونه در این اثر نمود یافته است؟ سؤالات دیگر تحقیق از این جمله است:

آیا نشانه‌های سبک زنانه در حوزهٔ زبانی در این اثر قابل اثبات است یا باید در حوزهٔ دیگری از جمله شیوهٔ روایت به جستجوی آن پرداخت؟  
مضامین و محتوای نوشتار زنانه مانند ازدواج، طلاق، خیانت مرد، فراموش‌شدگی و... به چه میزان در این اثر به کار رفته است؟

### ۲-۱. اهداف و ضرورت تحقیق

به کارگیری شاخه‌های جدید سبک‌شناسی در بررسی متون ادبی و بازیابی ابزارهایی مناسب برای تجزیه و تحلیل متون از ضرورت‌های مطالعات امروزی است. نظر به اهمیت زبان به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و تفاوت‌های مؤلفه‌های نوشتار زنانه و مردانه، هدف پژوهش حاضر بررسی مجموعه داستان «خاک غریب» از منظر نشانه‌های سبک زنانه در حوزهٔ زبانی است. لذا به واکاوی و تحلیل لایهٔ واژگانی و لایهٔ نحوی از منظر زنانه‌نویسی پرداخته شده است. از آنجایی که مؤلفه‌های زنانه‌نویسی در زبان نویسندگان زن بارزتر از نویسندگان مرد است، اهمیت پرداختن به آنها، آشنایی با شیوه‌ای متفاوت از دیدن، گفتن و معنا ساختن است تا خواننده دریابد که زن می‌تواند نه فقط با عقل تربیت شده در زبان مردسالار بنویسد، بلکه می‌تواند به قول هلن سیکسو، منتقد ادبی و فیلسوف فمینیست فرانسوی، «با بدن خویش نیز بنویسد» و با میل، ترس، لذت، درد، حافظه و تجربهٔ زیسته خویش، جهان را بنمایاند.

### ۳-۱. پیشینهٔ پژوهش

مروری بر مطالعات مربوط به زبان و جنسیت نشان می‌دهد که در این حوزه پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است اما در خصوص جومپا لاهیری معدود تحقیقاتی که صورت گرفته از این قرار است: مقاله «ابعاد اجتماعی و فرهنگی مهاجرت در آثار جومپا لاهیری» از محمدهادی جهان‌دیده که در کنفرانس بین‌المللی مدیریت، فرهنگ

و توسعه اقتصادی ارائه شده و به تحلیل مسائل مرتبط با مهاجرت به غرب، حفظ هویت فرهنگی و پابندی به ارزش‌های ملی در کشور مقصد پرداخته است. مقاله «تحلیلی نشانه - پدیدارشناختی مترجم دردها اثر جومپا لاهیری» از امیرعلی نجومیان که به بازنمایی سبک زندگی مهاجر در اثری ادبی با استفاده از طرح مدلی نظری که از آمیختگی اندیشه پدیدارشناسی و نشانه‌شناسی ابداع شده است، می‌پردازد. مقاله «مقایسه تطبیقی شکل‌گیری هویت تراملی زن شرقی مهاجر در آثار جومپا لاهیری و مهرنوش مزارعی از دیدگاه هومی بابا» از امید ورزنده و سیدرضا ابراهیمی که به نقد آثار دو نویسنده از منظر یک نظریه پرداز نقد پسا استعماری می‌پردازد و مقاله «بررسی مفهوم دیگری فرودست در رمان همنام اثر جومپا لاهیری» از علیرضا فرحبخش و رضوانه رنجبر شیخانی که براساس نظریه‌های گایاتری اسپیوک و هومی بابا، مفهوم دیگری فرودست را در یکی از رمان‌های لاهیری بررسی نموده است.

از منظر ارتباط زبان و جنسیت تاکنون تحقیقی روی آثار جومپا لاهیری صورت نگرفته است.

## ۲. بحث و یافته‌های تحقیق

### ۲-۱. معرفی جومپا لاهیری

جومپا لاهیری با نام اصلی نیلانجانا سودشنا (Nilanjana Sudeshna) نویسنده آمریکایی هندی تبار، سال ۱۹۶۷ در لندن متولد شد. پدر و مادرش از مهاجران هندی (بنگالی) بودند که از کلکته به لندن مهاجرت نموده و زمانی که او سه ساله بود به آمریکا مهاجرت کردند و به این ترتیب جومپا در رود آیلند آمریکا بزرگ شد. مدرک لیسانس ادبیات انگلیسی را در سال ۱۹۸۹ دریافت کرد و پس از آن به دانشگاه بوستون رفت و در رشته‌های زبان انگلیسی، نگارش خلاقانه و ادبیات تطبیقی مدرک

فوق‌لیسانس دریافت کرد و موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته مطالعات رنسانس شد. نخستین اثرش، مجموعه داستان «مترجم دردها» بود که در سال ۲۰۰۰ جایزه ادبی پولیتزر را در داستان‌نویسی از آن خود کرد. این اثر همچنین موفق به دریافت جایزه بنیاد همینگوی نیز شده و به عنوان بهترین کتاب اول نیویورکر سال هم انتخاب شده است. نخستین رمان او به نام «هم‌نام» در سال ۲۰۰۳ منتشر شد که در ساخت فیلمی به همین نام در سال ۲۰۰۷ مورد اقتباس قرار گرفت. در سال ۲۰۰۸ مجموعه داستان «خاک غریب» را نوشت و رمان «گودی» را در سال ۲۰۱۳ منتشر کرد که همه آثار او در ایران توسط چند مترجم به فارسی ترجمه شده‌اند. مجموعه «خاک غریب» در سال ۲۰۰۸ برنده جایزه داستان کوتاه فرانک اوکانر شد و در سال ۲۰۰۹ جایزه ادبی آمریکایی - آسیایی را از آن خود کرد. او همچنین شروع به نوشتن رمان به زبان ایتالیایی کرده است و در سال ۲۰۱۹ اولین رمان خود را به زبان ایتالیایی به نام «جایی که من هستم» منتشر کرد. در یادداشتی که به زبان ایتالیایی نوشته و ترجمه انگلیسی آن در سال ۲۰۱۵ در نیویورکر منتشر شده است می‌گوید: من نویسنده‌ای هستم که به زبان خاصی تعلق کامل ندارم. ([nationmaster.com/encyclopedia](http://nationmaster.com/encyclopedia))

## ۲-۲. معرفی خاک غریب و سبک نویسنده

خاک غریب از دو بخش مجزا تشکیل شده است. بخش اول شامل ۵ داستان کوتاه غیرمرتبط به هم با نام‌های: خاک غریب، جهنم - بهشت، انتخاب جا، خوبی محض و به کسی مربوط نیست. بخش دوم که عنوان هما و کاشیک دارد از سه داستان کوتاه مرتبط به یکدیگر با نام‌های اولین و آخرین بار، آخر سال و رفتن به ساحل تشکیل شده است. مضمون اصلی داستان‌های لاهیری را غربت و مهاجرت تشکیل می‌دهد. او تجربه‌هایی را که خود لمس و درک کرده دست‌مایه نوشتن داستان‌هایش کرده است. نگاهش به غربت در داستان‌های خاک غریب از کیفیت فراگیرتری نسبت

به داستان‌های قبلی او برخوردار است؛ زیرا ابعاد مختلف مهاجرت را مورد توجه قرار داده است. تأکید او بر ریشه‌های بنگالی شخصیت‌ها که برای رسیدن به شرایط بهتری در زندگی مهاجرت کرده‌اند و توصیف شخصیت‌هایی که به نسل خود او نزدیک‌ترند، روابط بین نسل اول مهاجران و نسل‌های بعدی و شکافی که بین آنها ایجاد شده است، احساس تعلق داشتن به جایی دیگر و چشیدن طعم زندگی در سرزمینی که خواسته یا ناخواسته در آن زندگی می‌کنند، از بن‌مایه‌های داستان‌های اوست.

ساده‌نویسی و ویژگی اصلی شیوه داستان‌نویسی اوست. در داستان‌هایش مسائل زندگی روزمره انسان‌ها را بسیار ساده روایت می‌کند. جومپا به سبب زن بودنش به طور خودآگاه یا ناخودآگاه به زنان در داستان‌هایش می‌پردازد و با اینکه مهاجرت موضوع اصلی داستان‌های اوست اما این مهاجرت بیشتر حول محور زنان می‌چرخد. جزئی‌نگری‌های زنانه با طبیعتی متعادل و لطیف، چنان با مهارت و توانمندی صورت گرفته است که حتی با اینکه داستان‌هایش را از نگاه مردان روایت می‌کند اما خواننده اصلاً چنین احساسی ندارد. آنچه او را از نویسندگان دیگر متمایز می‌کند، نوشته‌هایی است ساده و در عین حال سرشار از جزئیات که همچنان که زندگی شخصیت‌هایش را بر خواننده آشکار می‌سازد، قلب او را نیز به درد می‌آورد. اندوه بزرگی که در کارهای نویسنده، نتیجه پیوند غربت با غم‌های دیگر است که گریبان‌گیر زندگی همه انسان‌هاست: مرگ عزیزان، پایان عشق، فروپاشی خانواده‌ها و غیره.

تجربه ذهنی و درونی شده جومپا لاهیری که خود در خانواده‌ای مهاجر متولد شده و رشد کرده است، اندوه غربت است که تأثیر آن در اندیشه و آثار او بسیار پررنگ است. هر کدام از داستان‌ها، عشق‌هایی را روایت می‌کنند که میان آدم‌های معمولی جریان دارد. در داستان‌هایش پایبندی به سنت‌ها و گاهی پس زدن آنها، توصیف دو نسلی که در دو بستر فرهنگی متفاوت زندگی کرده و می‌کنند، تفاوت بین فرزندان و پدر و مادرها، تضاد بین نسل‌ها را نشان می‌دهد. در داستان اول «خاک غریب» ما با

خانواده‌ای مهاجر روبه‌رو هستیم. روما دختر خانواده که به نسل دوم مهاجران تعلق دارد و رفته‌رفته به سن بلوغ رسیده نه تنها تفاوت‌های فرهنگی را درک می‌کند، بلکه شاهد تأثیر این تفاوت‌ها در زندگی نزدیکانش به خصوص پدر خویش است که درگیر یک رابطه عاطفی شده است. روما پیش از به دنیا آمدن فرزندش، آکاش، کارمند یک دفتر وکالت بوده اما وقتی کودکش به دنیا می‌آید استعفایش را می‌نویسد و کارش را رها می‌کند. ازدواج روما و آدام آمریکایی ازدواجی از دو فرهنگ متفاوت است.

در داستان «انتخاب جا» نویسنده، ایده ازدواج در غربت را مطرح می‌کند. ازدواج افرادی که در غربت یک نسل جلو آمده‌اند و در عین ارتباط ذهنی که با ریشه‌های قدیمی خود دارند؛ خودشان نیز در حال ریشه دادن در خاک غریب هستند. ازدواج دو زوج میانسال آمیت و مگان از دو فرهنگ متفاوت که در خلال ازدواج، دوستی به نام پم در مدرسه شبانه‌روزی قدیمی آمیت، ناگفته‌هایی از گذشته خود را واکاوی می‌کند.

در داستان «جهنم - بهشت» با زنی روبه‌رو هستیم که تمام عمرش را صرف شوهر و تنها بچه‌اش کرده و روزگارش را در آشپزخانه گذرانده است و با آمدن هم‌وطنی بنگالی و اهل کلکته، زندگی زن دچار تحول می‌شود. زنی که هیچ‌گاه قلبش را چیزی نلرزانده، ناگهان با ورود این مرد دچار حال متفاوتی می‌شود.

در داستان «خوبی محض» دختری بنگالی به نام سودا سعی دارد با برادر الکلی‌اش و نقشی که او در اعتیادش داشته، کنار بیاید. داستان «به کسی مربوط نیست» نیز در مورد دختر باهوش سی ساله بنگالی است که هنوز عروسی نکرده و خواستگاران متعدد بنگالی و غیربنگالی دارد. بخش دوم که شامل سه داستان پیوسته است؛ دو شخصیت محوری به نام‌های هِما و کاشیک دارد که داستان اول «اولین و آخرین بار» از زاویه دید هِما روایت می‌شود. داستان دوم «آخر سال» سه سال بعد، از زبان کاشیک روایت می‌شود و روایت سومین داستان «رفتن به ساحل» از نگاه هر دو است.

در تمام داستان‌ها ازدواج میان یک آمریکایی هندی‌تبار و یک آمریکایی سفیدپوست اتفاق افتاده است. شخصیت‌هایی که در گذر زمان تحت تأثیر محیط جدید قرار گرفته و نگاه سنتی و بومی خود را از دست داده‌اند. احساس غربت، تنهایی، عدم تعلق به محیط، ترس و دلزدگی، شخصیت‌های خاک غریب را ساخته‌اند. آنچه داستان‌ها را شکل می‌دهد روزمرگی و غربت است و هیچ حادثه فوق‌العاده‌ای اتفاق نمی‌افتد.

## ۲-۳. بازنمایی جنسیت در مجموعه داستان «خاک غریب»

سبک نوشتاری جومپا لاهیری، در سطح گفتار شخصیت‌های زنان مشخص می‌شود. از مؤلفه‌های حاکم بر سبک گفتار زنانه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: مؤلفه‌های نحوی شامل: جملات پرسشی به شکل حدیث نفس، جملات توصیفی، اطناب و جزئی‌نگری، کاربرد فراوان جملات کوتاه و مؤلفه‌های واژگانی شامل: کاربرد رنگ واژه‌ها، کاربرد واژه‌های متعلق به زنان، پرداختن به عواطف زنانه، پرداختن به باورها و اعتقادات خرافی رایج میان زنان. در این بخش ضمن تحلیل هر کدام از مؤلفه‌های نحوی و واژگانی نمونه‌هایی از متن داستان‌ها ذکر شده است.

## ۲-۳-۱. مؤلفه‌های نحوی

### ۲-۳-۱-۱. جملات پرسشی به شکل حدیث نفس

حدیث نفس یا خودگویی، یکی از شگردهای ادبیات داستانی است. «این شیوه فاقد مخاطب است. این نوع گفتار، سیراندیشه و افکار درونی شخص را بیان می‌کند» (شریفی، ۱۳۸۷: ۵۲۵). لاهیری در داستان‌هایش، حدیث نفس را شیوه مؤثری برای ارائه روندهای ذهنی شخصیت‌هایش یافته است. در داستان‌های او شخصیت‌ها، افکار و احساسات خود را به زبان می‌آورند تا خواننده از نیت و مقاصد آنها باخبر شود.

«رفت تو فکر که نکند چیزی هست که پدر به او نگفته؟ به این فکر افتاد که اوضاع مجتمعی که پدر توش زندگی می‌کند چه طور است؟ پله‌هایش زیاد است؟ همسایه‌ها او را می‌شناسند؟ هوایش را دارند؟» (لاهیری، ۱۳۸۷: ۴۴).

«روما ناگهان دلش خواست از پدر سؤال کند هیچ وقت شده برای مرگ مادر گریه کند؟ ولی می‌دانست هیچ وقت این سؤال را نخواهد کرد و می‌دانست که پدرش هم هیچ وقت اعتراف نخواهد کرد که از این احساسات داشته یا از این دست کارها کرده یا نه. (همان: ۵۷)

«از خودش پرسید نکند حال پدر بد شده. نکند با ماشین رفته داروخانه پیدا کند که آسپرین بخرد.» (همان: ۵۳)

## ۲-۱-۳-۲. جملات توصیفی، اطناب، جزئی‌نگری

توصیف، نوعی کنش زبانی است. توصیف در واقع ارائه‌نمایشی از اشیاء، خصلت‌ها و کنش‌ها است. اصولاً داستان بدون توصیف معنا و مفهوم نخواهد داشت «زیرا توصیف به آن جنبه‌ای خیال‌انگیز بخشیده و به واقع‌نمایی آن کمک می‌کند. البته حجم زیاد و بی‌رویه‌ی توصیف، سیر داستان و خیال‌انگیز بودن آن را به چالش می‌کشد به عبارت دیگر ضرابه‌نگ رویدادها، گند می‌شود و این مسئله گاه تا قطع کامل حوادث روایی نیز پیش می‌رود» (اعلایی، ۱۳۹۵: ۹۴). توصیف علاوه بر تبیین روشن جزئیات، خواننده را در جریان مکان و زمان وقوع داستان نیز گذاشته و در کنار توصیفات مربوط به شخصیت، پاره‌ای از توصیف‌ها نظیر سقف اتاق، چراغ، کاناپه و... چارچوب داستان را می‌آفریند. توصیف نزد لاهیری از اهمیت زیادی برخوردار است:

«گردن و کمرش پهن‌تر شده بود. افتادگی یک مرد چند سال بزرگ‌تر و نامطمئن‌تر را پیدا کرده بود. موها را عقب داده بود. روی شقیقه‌هایش داشت خالی می‌شد و پازلفی‌هایش بلند بود. جینش شق و رق نبود. پاچه‌هایش پوسیده بود و پلیور

راه راه با آستین‌های بفهمی نفهمی کوتاهش را انگار از کهنه‌فروشی خریده بود» (لاهی‌ری، ۱۳۸۷: ۱۸۰).

«کاناپه چند تکه مشکی به شکل L، چراغ پایه بلند کرومی که بالایش قوس داشت، میز کوکتل قلوهای شکل رویه شیشه‌ای و یک میز ناهارخوری سفید فایبرگلاس، دور تا دورش صندلی‌های هم‌رنگ، رومیزی با نقش و نگار هندی که ممکن بود روتختی باشد و هیچ‌ور میز را نمی‌پوشاند. وسط میز عوض سبد میوه یا دسته گل تازه‌ای که مادرم همیشه می‌چید، یک بشقاب استیل بود توش یک نمکدان معمولی و دو تا شیشه ترشی - ترشی انبه تند و ترشی لیمو شیرین که در نداشتند و مارک‌های رویشان لک داشتند و توی هر کدام یک قاشق بود» (همان: ۲۸۴).

### ۲-۳-۱-۳. کاربرد جملات کوتاه

زنان بیش از مردان در نوشته‌های خود از جملات تلگرافی و کوتاه استفاده می‌کنند لاهیری در این اثر حتی جملاتی را به کار می‌برد که فقط در حد یک کلمه است. کوتاهی جمله با جزئی‌نگری نیز در ارتباط است که محدوده جمله را کوچک می‌کند:

«به مگان فکر کرد، فکر کرد شاید باید برگردد بهش بگوید دارد به هتل می‌رود. ولی به راهش ادامه داد. نمی‌توانست پاهایش را که روی زمین قدم برمی‌داشتند، ببیند» (همان: ۱۳۰).

«وقتی سرم داد می‌کشید که چرا زیاد پای تلفن‌ام یا چرا از تو اتاقم بیرون نمی‌آیم، من هم برمی‌گشتم، داد می‌زدم و به او می‌گفتم موجود بدبختی است می‌گفتم هیچی از من نمی‌داند» (همان: ۸۹).

«فهمیدم این برنامه همیشه‌گی‌شان است و آموزش و توضیح لازم ندارد. بلند شدم نشستم تماشایشان کردم. باقی موهای چیترا را مجسم کردم که آنها هم یک روز

خاکستری می‌شدند مجسم کردم در کنار پدرم پیرزن می‌شود» (همان: ۳۰۰).

## ۲-۳-۲. مؤلفه‌های واژگانی

### ۲-۳-۲-۱. کاربرد رنگ‌واژه

یکی از ابزارهایی که نویسنده برای نمایش امور واقعی و ذهنی به کار می‌برد، رنگ است. این عنصر را می‌توان به عنوان یکی از معیارهای سنجش شخصیت به شمار آورد زیرا هر رنگی بیانگر وضعیت روحی و جسمی فرد است. گستره واژگانی زنان در خصوص رنگ‌ها بیشتر از مردان است و جزئی‌نگری زنان در کاربرد نام رنگ‌ها مشخص می‌شود.

«زنان در کاربرد رنگ‌واژه‌ها دقت و جزئی‌نگری بیشتری دارند و در مقایسه با مردان از اصطلاحات متنوع‌تری برای رنگ‌ها استفاده می‌کنند. اما درباره این‌که زنان قدرت ادراک رنگ بیشتری دارند، شاهدهی وجود ندارد» (اوگریدی، ۱۳۹۴: ۵۳۸).

به نظر می‌رسد چون در جامعه، مردان فقط به موضوعات کاری، سیاسی و اجتماعی علاقه نشان می‌دهند، مسائل جزئی و پیش‌پا افتاده مانند تشخیص رنگ را بی‌اهمیت تلقی می‌کنند؛ بنابراین یکی از تمایزاتی که در نوشتار مردان و زنان دیده می‌شود به کار بردن رنگ‌واژه‌هاست. مردان معمولاً رنگ‌های اصلی را به کار می‌برند اما زنان به طیف گسترده‌ای از رنگ‌ها توجه نشان می‌دهند. بسامد بالای استفاده از رنگ‌واژه‌ها در «خاک غریب» نشان‌دهنده جزئی‌نگری لاهیری و وسعت دایره واژه‌های توصیف رنگ اوست.

«پدر صندوق عقب را باز کرد و چمدان سیاه کوچک چرخ‌داری را بلند کرد. با شلوار کتان قهوه‌ای، پیراهن پولو آبی آسمانی و کفش تنیس سفید چرم، کلاه بیس‌بالی سرش بود. پدر با آن موهای خاکستری و پوست سفید، عملاً می‌شد مال هر کجای دنیا باشد. مادر اگر بود در این سرزمین شمالی، شرقی به چشم می‌آمد. با ساری‌های

روشنش و با خال‌های آلبالویی ریزش» (لاهی‌ری، ۱۳۸۷: ۲۲).

«سانگ برای دیوار، سبز آرامش‌بخشی انتخاب کرده برای زهارها رنگ بنفش روشن، رنگی که شرکت رنگ‌سازی اسمش را موش کور گذاشته بود. گوشی تلفن قهوه‌ای روشن را که گذاشت کمی از ردّ انگشت‌های موشی رنگش روی گوشی مانده بود» (همان: ۲۰۱).

«دوست سانگ جین روشن چسب پوشیده بود با یک تی‌شرت سفید و بلیزر سرمه‌ای و کفش چرمی قهوه‌ای و در نمای زرد اخرایبی و یکتوریایی خانه انگار دنبال عیب و ایراد می‌گشت» (همان: ۲۰۴).

## ۲-۳-۲. کاربرد واژه‌های متعلق به زنان

تفاوت‌های زبانی زن و مرد به تفاوت‌های اجتماعی این دو گروه برمی‌گردد. «هریک از دو جنس در برخی حوزه‌های فعالیتی، فعال‌تر از جنس دیگر است، اصطلاحات مربوط به آن حوزه، مردانه یا زنانه تلقی می‌شود. در صورتی که زنان و مردان هر جامعه از الگوهای زبانی ویژه خود پیروی نکنند، پایگاه اجتماعی خود را از دست خواهند داد و یا لاقلاً مورد تمسخر قرار خواهند گرفت» (مدرسی، ۱۴۰۰: ۱۶۲).

پرداختن به اموری که کانون توجه زنان است مانند امور خانه‌داری، پخت و پز، زیورآلات، وسایل آرایش و... را نیز می‌توان از وجوه تمایز نگارش زنان با مردان به شمار آورد. «پرداختن به شخصیت زن از دیدگاه مرد رمان‌نویس، مشکلاتی در پی دارد؛ چرا که او زن را از دیدگاه یک مرد می‌بیند و شناخت و تجربه‌اش او از روحیات زن به روابط اجتماعی او و زندگی در کنار زنانی با عنوان مادر و... شکل می‌گیرد؛ اما نویسندگان زن با شناختی که از روحیه و احساسات زنانه دارند و با دیدگاه و اندیشه‌ای زنانه، بهتر می‌توانند زن و دنیای زنانه و تلاش او برای اثبات هویت فردی و وجودی خود را به نگارش درآورند» (پورتنقی میان‌دوباب و عقدایی، ۱۴۰۰: ۲۶). در داستان‌های لاهیری

که بیشتر شخصیت‌های آنها را زنان تشکیل می‌دهند، جنسیت در انتخاب واژگان تأثیر به‌سزایی داشته است که نشان‌دهنده نگاه زنانه او به دنیای اطراف است.

#### – کاربرد زیورآلات

«با آن دستبندهای سرخ و سفید مامان که زن‌های هندی دست می‌کنند و ساری تانگیل و خط کلفت شنگرف روی فرق سر و صورت گرد پُر و چشم‌های درشت مشک‌اش که داد می‌زد هندی است. پراناب دو سه سنجاق قفلی به دستبندهای نازک طلای مامان را هم دیده بود که همیشه پشت باقی‌النگوهای سرخ و سفیدش می‌انداخت. مادرو خواهرها و عمه و خاله‌های خودش در کلکته هم از این سنجاق‌ها داشتند» (لاهی‌ری، ۱۳۸۷: ۷۴).

#### – کاربرد وسایل آرایش

«مگان معمولاً آرایش نمی‌کرد ولی برای مناسبت امشب، رژ قرمز رنگ زده بود. آمیت دید قیافه‌اش را خراب کرده: زیبایی هوشمندانه و سنتی صورت مگان را ترجیح می‌داد» (همان: ۱۰۶).

#### – واژه‌های مربوط به فیزیولوژی زنان

در کاربرد واژه‌های مربوط به فیزیولوژی زنانه «می‌توان مفاهیم و تصاویری را مطرح کرد که احتمال بیان آن توسط مردان نزدیک به صفر است» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۹۱).  
«براساس اینکه این بچه جدید، دختر باشد یا پسر، مجبور بود لباس‌های کوچک‌تر را نگه دارد یا ردّ کند برود. تا تست آمینو، که جنس بچه را مشخص می‌کرد، چهار هفته دیگر مانده بود. هیکلش هنوز چندان نشان نمی‌داد حامله است. مانده بود تا لگد بچه را حس کند. ولی برخلاف دفعه پیش، به حضور حیات در درون خودش،

شک نداشت. دنبال لباس‌های حاملگی‌اش گشت، شلوارهای کمر گشاد و تونیک‌هایی که به زودی لازم‌شان داشت» (لاهییری، ۱۳۸۷: ۵۵).  
«نمی‌دانستم بعد از تولد من، بار پنجم است که حامله شده و آن قدر ناخوش و خسته است و نگران از دست دادن یک بچه دیگر که بیشتر روز را می‌خوابد، بعد از ده هفته، یک بار دیگر سقط کرد و توصیه دکتر این بود که دیگر امتحان نکند» (همان: ۸۳).

### – کاربرد وسایل آشپزخانه و امور پخت و پز

«ظرف‌ها را که شست خشک‌شان کرد، بعد ظرفشویی را سیم کشید و خشک کرد، خرده‌های غذا را از سر زهاب جمع کرد. باقیمانده غذاها را گذاشت توی یخچال، کیسه زباله را گره زد گذاشت توی سطل بزرگی که بیرون خانه به چشمش خورده بود و درها را قفل کرد. سر میز آشپزخانه نشست و با ماهی‌تابه ور رفت که وقت شستنش متوجه شده بود، دسته‌اش لق شده» (همان: ۳۸).

### ۲-۳-۲-۳. پرداختن به عواطف زنانه

گفتار زنان، شامل مسائل خانوادگی و عاطفی، علایق و ترس‌های زنان، عشق به طبیعت و گل و گیاه و عاطفه مادرانه، همه با شخصیت زنان در ارتباط است. زن بودن لاهیری و ذهنیت و نگرش احساسی او باعث شده تا جملات و الفاظی که بار عاطفی زنانه در آنها زیاد است، در داستان‌هایش پر کاربرد باشد که از ویژگی‌های صرفی یا نظام واژگانی است.

«مادر به خاطر زندگی مشترکش به جایی بیگانه رفته بود و همه فکر و ذکرش مراقبت از بچه‌ها و خانه و خانواده بود» (همان: ۲۱).

«تابستان قبل از اول دبیرستان، وقتی عادت ماهانه‌ام شروع شد، برایم سخنرانی مبسوطی کرد و گفت از این به بعد حق ندارم بگذارم دست هیچ پسری به بدنم

بخورد» (همان: ۸۹).

«خودش ترجیح می‌داد سبزی بکارد ولی سبزی بیش از گل کار می‌برد. کاشتن این چیزها، کاری معمولی بود: مورد و فلوکس که آهسته زیر درختچه‌ها رشد می‌کنند، دو تا بوته آزالیا، یک ردیف سوسن پلانتین، کلماتیس که از تیر چوبی ایوان بالا برود و یک بوته گل ادریس به یادبود زنش. دلش طاقت نیاورد چند تا گوجه‌فرنگی هم کاشت با چند شاخه گل همیشه بهار و گل حنا» (همان: ۶۱).

### ۲-۳-۲-۴. باورها و اعتقادات خرافی رایج میان زنان

«با حرف‌های مادرش بزرگ شده بود که گم کردن طلا شگون ندارد و همان‌طور که هواپیما بلند می‌شد، در لحظه‌هایی که حرکت هواپیما هنوز حالی‌اش بود فکری سیاه از سرش گذشت که هواپیما سقوط می‌کند یا وسط هوا منفجر می‌شود» (همان: ۳۵۱).

### ۳. نتیجه‌گیری

جومپا لاهیری از نویسندگان معاصر است که در آثار او می‌توان زبانه‌نویسی و تجربه نگاه زنانه را به طور مشهودی در شکل، صدا و محتوای متفاوتی که خلق کرده است، دریافت. کاربرد واژه‌ها، تعبیر و صورت‌های نحوی خاص که از ویژگی‌های گفتمان زنان است در سازه‌های زبانی پر بسامدی در آثار او یافت می‌شود. روحیات خاص زنان، مسائل و مشکلات آنها، تجربه‌هایی که از لحاظ روحی و فیزیولوژیک تنها در زنان است، شاخص‌های ایدئولوژیک و عقیدتی واژه‌ها، باورها و عقاید مربوط به موقعیت اجتماعی زن، در خوانش اجتماعی داستان‌های او قابل توجه است. در لایه واژگانی، واژه‌های به کار رفته در داستان‌های او حول محور خانواده و مسائل و دل‌مشغولی‌های زنان است. در لایه نحوی آنچه مورد توجه است؛ به کار بردن

جمله‌های کوتاه، توصیف و همچنین ساده‌نویسی اوست. می‌توان به این نتیجه کلی دست یافت که مردان و زنان برای توصیف جهان پیرامون خود، زبان متفاوتی را به کار می‌برند. متغیرهای زبانی وابسته به طبقات اجتماعی و تفکرات فرهنگ‌محور در نوشتار زنان بیشتر نمود پیدا می‌کند و تأثیر فرهنگ بر جنسیت‌زدگی زبان را در آثار زنان بیشتر می‌توان دریافت. سطح واژگان به کار برده شده توسط لاهیری، نشان‌دهنده فرهنگ و اندیشه اجتماعی او و محیطی است که در آن پرورش یافته است و شخصیت‌های داستان‌هایش، مهاجرانی هستند که برای زندگی بهتر تلاش می‌کنند البته مهاجرانی که خود مهاجرت نکرده‌اند اما مهاجر محسوب می‌شوند چون در خانواده‌ای مهاجر متولد شده یا رشد کرده‌اند. با تحلیل زبانی اثر او می‌توان به اندیشه‌هایی که ورای زبانش وجود دارد، دست یافت و ساختار روابط انسانی را درک کرد. در مجموع از میان مؤلفه‌های نحوی، جملات توصیفی، و جملات کوتاه و از میان مؤلفه‌های واژگانی استفاده از رنگ واژه‌ها و تأکید بر عواطف زنانه، پرکاربردترین مؤلفه‌های زنانه‌نویسی در مجموعه داستان خاک غریب است.

کتاب‌شناسی

الف: کتاب‌ها

- ۱) اوگریدی، ویلیام (۱۳۹۴)، *درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر*، ترجمه علی درزی، چاپ اول، تهران: سمت.
- ۲) برسلر، چارلز (۱۳۹۳)، *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی*، ترجمه مصطفی عابدینی‌فرد. چاپ سوم، تهران: نیلوفر.
- ۳) ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶)، *زبان‌شناسی اجتماعی، درآمدی بر زنان و جامعه*، ترجمه محمد طباطبایی، چاپ اول، تهران: آگاه.
- ۴) شریفی، محمد (۱۳۸۷)، *فرهنگ ادبیات فارسی*، چاپ اول، تهران: فرهنگ نشر نو.
- ۵) شمیسا، سیروس (۱۳۸۸)، *نقد ادبی*، چاپ سوم، تهران: میترا.
- ۶) فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، چاپ چهارم، تهران: سخن.
- ۷) لاهیری، جومپا (۱۳۸۷)، *خاک غریب*، ترجمه امیرمهدی حقیقت، چاپ پنجم، تهران: ماهی.
- ۸) لیکاف، رایین تالمک (۱۳۹۹)، *زبان و جایگاه زن*، ترجمه مریم خدادادی و اسماعیل یاسرپور، چاپ اول، تهران: نگاه.
- ۹) محمدی‌اصلی، عباس (۱۳۹۹)، *جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی*، چاپ سوم، تهران: گل‌آذین.
- ۱۰) مدرسی، یحیی (۱۴۰۰)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، چاپ ششم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۱) میشل، آندره (۱۳۸۲)، *جنبش زنان (فمینیسم)*، ترجمه هما زنجانی‌زاده، چاپ اول، مشهد: نیکا.

۱۲) وولف، ویرجینیا (۱۳۸۳)، *اتاقی از آن خود*، ترجمه صفورا نوربخش، چاپ هشتم، تهران: نیلوفر.

### ب: مقاله‌ها

۱۳) اشراقی، منصوره، شاه بدیع‌زاده، محمد، اشرف‌زاده، رضا (۱۴۰۱)، «مدرنیسم و نوشتار زنان»، فصل‌نامه علمی تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)، دوره ۵، شماره ۱۱، صص ۴۱-۵۶.

۱۴) اعلائی، مینا، شکریان، محمدجواد (۱۳۹۵)، «کارکرد توصیف در چند داستان کوتاه معاصر فارسی»، فصل‌نامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴۲، صص ۱۱۷-۱۱۸.

۱۵) پورتنقی میانداوب، سولماز، عقدایی، تورج (۱۴۰۰)، «نگاهی به فلسفه وجودی زن در دو رمان زویا پیرزاد»، فصل‌نامه علمی تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)، دوره ۴، شماره ۷، صص ۵۱-۳۶.

۱۶) خادمی زاده، سعیده (۱۴۰۰) «زن و جدال رمانتیسم و رئالیسم در رمان چشم‌هایش بزرگ علوی»، فصل‌نامه علمی تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)، دوره ۴ شماره ۸، صص ۷۹-۹۶.

۱۷) فیاض، ابراهیم، رهبری، زهره (۱۳۸۵)، «صدای زنانه در ادبیات معاصر ایران»، مجله پژوهش زنان، شماره ۴، صص ۲۳-۵۰.